گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۰۸۵۰
دوشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۰ ۱۷:۴۶

یادداشتی از لیلا یزدی مومن(بخش اول)

آشنایی با مدیریت ریسک سازمانی

در سال های اخیر، بحران های مالی و شرایط متغیر اقتصادی سبب شده است، تدوین کنندگان مقررات و همچنین شرکتها برای حفظ و بقا خود نیازمند اتخاذ سیاست ها و رویه های مؤثری باشند که عدم اطمینان پیشروی سازمان را کاهش دهند و به فکر مدیریت این شرایط ناپایدار باشند. در این شرایط، توجه پژوهشگران به مفهوم مدیریت ریسک جلب شده است.

لیلا یزدی مومن در یادداشت ارسالی خود به پایگاه خبری گزارش خبر با موضوع آشنایی با مفاهیم مدیریت ریسک سازمانی در بخش اول آورده است؛
در سال های اخیر، بحران های مالی و شرایط متغیر اقتصادی سبب شده است، تدوین کنندگان مقررات و همچنین شرکتها برای حفظ و بقا خود نیازمند اتخاذ سیاست ها و رویه های مؤثری باشند که عدم اطمینان پیشروی سازمان را کاهش دهند و به فکر مدیریت این شرایط ناپایدار باشند. در این شرایط، توجه پژوهشگران به مفهوم مدیریت ریسک جلب شده است.
مدیریت ریسک، مجموعه اقدامات در یک سازمان است که جهت کسب بازدهی مطلوب و کاهش نوسانات و تغییرات آن بازدهی ها انجام میشود.
در این راستا، تدوین کنندگان مقررات و سازمان های حرفه ای چارچوب ها و دستورالعمل هایی را در جهت استقرار مدیریت ریسک سازمانی تدوین کرده اند همچنین پژوهشگران به بررسی وضعیت به کارگیری چارچوب مدیریت ریسک سازمانی و چالش های به کارگیری آن و همچنین بررسی پیامدهای اقتصادی حاصل از به کارگیری آن پرداخته اند.
برای آشنایی بیشتر با مفهوم ریسک نیازمند بررسی تعریف های این واژه هستیم :
ریسک به معنای عدم اطمینان در مورد وقوع حادثه ای در آینده است. هرچه این عدم اطمینان بیشتر باشد ریسک بیشتر است. مدیران به دلیل عدم اطمینان محیطی و شدت رقابت در سازمان ها، با چالش های متعددی در تصمیم گیری مواجه اند. علاوه براین هر شرکت با توجه به شرایط درون سازمانی و صنعت و کشوری که در آن قرارگرفته است، ممکن است با ریسک های متعددی روبه رو باشد.
تعاریف متفاوتی برای ریسک وجود دارد. ریسک احتمال رخداد یک رویداد نامطلوب است که ممکن است تأثیر منفی بر سازمان داشته باشد. در در حیطه مالی نیز فدراسیون بین المللی حسابداران , ریسک را به عنوان رویداد بالقوه آتی تعریف میکند که میتواند دستیابی سازمان به اهداف راهبردی، عملیاتی و مالی را تحت تأثیر قرار دهد.
تعاریف مختلف از ریسک، ریسک را پدیده ای دووجهی تعریف کرده اند که از یکسو ممکن است اثرات مخرب بر دستیابی به اهداف سازمانی داشته باشد و از طرف دیگر ممکن است منجر به فرصت شود. نگرش به ریسک به عنوان آمیزه ای از مخاطره و فرصت ازیک طرف و نیز چندوجهی بـودن آن از طرف دیگر مستلزم اتخاذ رویکرد جامع نسبت به مدیریت ریسک است. در مقایسه با مدیریت ریسک سنتی، مدیریت ریسک سازمانی، مجموعه ریسک های یک شرکت را با روشی جامع و یکپارچه مورد بررسی قرار میدهد.
این روش مدیریت ریسک، به منزله بخشی از استراتژی کسب وکار در نظر گرفته شده و یکی از اهداف اصلی آن افزایش ارزش سرمایه سهامداران است .
در سال های اخیر تعاریف متعددی برای مدیریت ریسک سازمانی ارائه شده است. یکی از متداولترین تعاریف به صورت زیر است:
"مدیریت ریسک سازمانی فرآیندی است که توسط هیئت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان واحد استقرار مییابد. این فرآیند در تدوین استراتژی های کلی واحد اقتصادی و تشخیص رویدادهایی که ممکن است به طور بالقوه بر واحد اثر گذارد، به کار گرفته میشود.
بعلاوه ریسک را در دامنه ریسک قابل پذیرش مدیریت کرده و اطمینانی معقول در رابطه با اهداف واحد فراهم میسازد هم چنین اطلاعات ریسک را با استفاده از ابزارهای مجزا مانند نقشه های ریسک،آزمونهای استرس و سناریوها مرتبط میکنند درمجموع به کنترل ریسک هایی میپردازند که سایر کنترل های عملیاتی مانند حسابرسی داخلی یا سایر کنترل های محدودکننده قادر به انجام آن نیستند، و با انجام این کنترلها تکمیل کننده رویه های کنترلی موجود مدیریت هستند. مدیریت ریسک دارای چارچوبها و اجزای مختلفی است.
ازآنجایی که، مدیریت ریسک در برخی شرکتها فقط شامل سیاستهای واحد تجاری برای رعایت تعداد محدودی ریسک است درحالیکه در برخی شرکتها این عدم قطعیت تا سطح استراتژی شرکتها منعکس میشود و در محیط رقابتی و خارج آنها نیز بکار گرفته میشود لذا، به کارگیری چارچوب ها و رویه های مدیریت ریسک در سازمانهای مختلف با توجه به نوع صنعت و زمینه فرهنگی و ملی متفاوت است.

یکی از موارد مهم مورد اشاره نقش راهبری شرکتی و حمایت مدیریت ارشد است. علاوه بر آن چالش های مهمی مانند فرهنگ ریسک درک مفهوم مدیریت ریسک و استفاده مؤثر از فناوری نیز اشاره شده است. علاوه بر آن به کارگیری مدیریت ریسک دارای پیامدهای زیادی برای ذینفعان است.
مطابق ادبیات و دستورالعملهای مدیریت ریسک سازمانی، پیش فرض اصلی مدیریت ریسک سازمانی خلق ارزش برای ذینفعانش است. مدیریت ریسک سازمانی میتواند از طریق کاهش هزینه سرمایه، بهبود اعتماد سرمایه گذاران و همچنین بهبود رتبه اعتباری شرکت که نشان دهنده توانایی شرکت در بازپرداخت بدهیهای آن است و تصمیم گیری مدیران را بهبود بخشد موجب بهبود عملکرد شرکت شده علاوه بر آن فواید به کارگیری مدیریت ریسک سازمانی شامل افزایش حساب دهی و همکاران مدیران،بهبود رویه های حاکمیت شرکتی، درک بهتر مدیریت از استراتژی شرکت و توافق نظر در مورد استراتژی شرکت است.
بیان میکنند که رویه های کیفیت مدیریت ریسک سازمانی عملکرد شرکت را افزایش میدهند و برای شرکت ارزش افزوده ایجاد میکنند. با بررسی مقایسه ای مطالعات صورت گرفته در حوزه مدیریت ریسک بیان میکنند که مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد و ارزش شرکت تأثیر مثبتی دارد.
در نهایت , پس از آشنایی با مفاهیم اولیه ی ریسک سازمانی وپذیرش این نکته که درک مفهوم ریسک و ارزیابی آن به سازمان چه کمکی مینماید , نیازمند آشنایی با جنبه های دیگر از ریسک سازمانی و مدیریت آن هستیم که در مقالات بعدی به آنها خواهیم پرداخت.